

چه تعداد رأی در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ ساخته شده است؟

در رژیم جمهوری اسلامی مسئله ی رأی گیری و انتخابات اصلاً قابل اعتماد نیست. دلایل مختلفی بر این امر وجود دارد. یکم این که عقاید گوناگون، که خواه ناخواه در جامعه وجود دارند و به قول آقای خاتمی «زیرزمینی» هستند نمی توانند آزادانه حزب و سازمان داشته، نامزد معرفی کرده و در انتخابات گوناگون شرکت کنند. آیا اگر «توده ای» و «اکثریتی» حق معرفی کاندیدا داشت، مانند ۱۸ خرداد گذشته به سید محمد محمد خاتمی رأی می داد؟ آیا اگر ملی - مذهبی حق معرفی نامزد داشت، مانند ۱۸ خرداد گذشته به سید محمد خاتمی رأی می داد؟ دوم این که از آن جایی که احزاب و سازمان های مستقل از حکومت بیش از بیست سال است که در ایران ممنوع هستند و تازه آن هایی که «تحمّل» شده بودند اینک مانند نهضت آزادی غدغن شده اند، کنترلی بر رأی گیری ها به جز از سوی مقامات رسمی و دولتی وجود ندارد. همه گان می دانیم که در کشورهایی که احزاب و سازمان های سیاسی آزاد هستند، حق کنترل مستقیم بر رأی گیری و سپس شمارش آن را نیز دارند.

چند روز پیش و پس از نمایش ۱۸ خرداد آمار و ارقامی منتشر شده اند که با هم به هیچ عنوان نمی خوانند! روزنامه ی کیهان که به روزنامه ی شکنجه گران زندان اوین معروف شده و به نوشته ی یکی از روزنامه های جناح رقیب، روزنامه ی همبستگی، به طور رایگان و به جای پول خرد در دفترهای پست به مردم داده می شود، در شماره ی روز ۲۵ اردی بهشت ۱۳۸۰ خود نوشت: «بر اساس اعلام وزارت کشور جمعیت واجد شرایط برای شرکت در هشتمین انتخابات ریاست جمهوری در ۲۸ استان تا هجدهم خرداد ماه ۱۳۸۰ شامل متولدین پیش از هجدهم خرداد ۱۳۶۵» بالغ بر ۴۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت کل کشور است. البته وزارت کشور چند روز بعد اعلام نمود که این رقم واقعیت ندارد و علی رغم این که روزنامه ی کیهان به تفصیل تعداد واجدین شرایط را در هر استان اعلام نموده بود و سپس به تفکیک سنی آنان هم پرداخته بود، وزارت کشور ضمن تکذیب، هیچ گونه آمار دیگری ارائه نداد. بد نیست یادآور شویم که در چهار سال گذشته و به علت حدت و شدت گرفتن تضادهای دو جناح اصلی رژیم اعلام و سپس تکذیب یک خبر از سوی روزنامه های طرفین به یک مسئله ی عمومی تبدیل شده است. لااقل قبل از اصلاحات قلابی جناح خاتمی مردم یک خبر و آن هم بعضاً دروغ را دریافت می کردند ولی امروز خبرهای دروغ تکذیب شده را دریافت می کنند بدون این که در مقابل چیز دیگری دریافت کنند!!

بگذریم!

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) در روز بیست خرداد و در ساعت یک و هفت دقیقه ی بامداد نتیجه ی نهایی شمارش آرا را ۲۸ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۴۰۵ رأی اعلام نمود. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در جدولی که روز ۲۲ خرداد منتشر کرد این تعداد را ۲۸ میلیون و ۸۶ هزار و ۵۰۷ رأی اعلام نمود.

ایرنا در طی و پس از شمارش آرا، «لحظه به لحظه» آن را اعلام می نمود. همین خبرگزاری جدولی را مهیا کرده بود که در آن نتایج نهایی شمارش آرا، استان به استان، درج می شد. اما ناگهان ایرنا این جدول را نیمه کاره رها کرد و آرای مازندران، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، هرمزگان و بوشهر را ارائه نکرد. برای باقی استان ها وقتی جداول ایرنا و ایسنا را مقایسه می کنیم فقط هفت استان دارای ارقام مشابه هستند که عبارتند از گیلان، اردبیل، زنجان، همدان، ایلام، فارس و سیستان و بلوچستان. اختلاف ارقام نهایی اعلام شده توسط دو خبرگزاری رسمی رژیم به شرح زیر است:

برای استان خراسان یک اختلاف ۱۴ عددی (ایرنا بیش تر از ایسنا)، برای گلستان یک اختلاف ۵۹۰۶ عددی (ایسنا بیش تر از ایرنا)، برای کردستان یک اختلاف ۱۱۹ عددی (ایرنا بیش تر از ایسنا)، برای قزوین یک اختلاف ۱ عددی (ایسنا بیش تر از ایرنا)، برای سمنان ۲۰۳۸۶۷ عددی - آری، آری دویست و سه هزار و هشت صد و هشت و هفت عددی - (ایسنا بیش تر از ایرنا)، برای قم یک اختلاف ۳۹۸ عددی (ایرنا بیش تر از ایسنا)، برای مرکزی یک اختلاف ۱۰۹۰۴ عددی - ده هزار و نه صد و چهار - (ایسنا بیش تر از ایرنا)، برای لرستان یک اختلاف ۷۱ عددی (ایرنا بیش تر از ایسنا)، برای یزد یک اختلاف ۱۰ عددی (ایسنا بیش تر از ایرنا) و سرانجام برای کهگیلویه و بویراحمد یک اختلاف ۳۲۴۸ عددی (ایرنا بیش تر از ایسنا).

یادآوری می کنیم که هر چند ایرنا ریز آرای کل مأخوذه را در همه ی استان ها اعلام ننمود اما کل آرابی را که اعلام کرد دارای یک اختلاف اغماض نشدنی با کل آرای اعلام شده توسط ایسنا است چرا که تعداد کل ایرنا بیش از تعداد کل ایسنا می باشد و با هم یک اختلاف ۷۳۸۹۸ (هفتاد و سه هزار و هشت صد و نود و هشت) عددی دارند.

یادآوری دیگر این که هر چند وزارت کشور آمار و ارقام روز ۲۵/۲/۱۳۸۰ روزنامه ی کیهان را تکذیب کرد و آمار دیگری ارائه نداد، اما بین واجدین شرایطی که کیهان برای استان بوشهر اعلام کرده بود و واجدین شرایطی که ایسنا روز ۲۲/۳/۱۳۸۰ برای همین استان اعلام کرد، یک اختلاف بسیار بزرگ ۳۵۱۸۴۶ (سی صد و پنجاه و یک هزار و هشت صد و چهل و شش) عددی وجود دارد! بر رغم این که بر طبق ادعای وزارت کشور روزنامه ی کیهان تعداد کل واجدین شرایط را دو میلیون و نیم نفر بیش تر اعلام نموده بود، اما برای

استان بوشهر واجدین شرایط ۱۶۰۵۳۶ نفر اعلام شده بود که این رقم در جدول ایسنا ۵۱۲۳۸۲ نفر اعلام شده است! بد نیست در پایان یادآوری دیگری کرد و آن این که آقای عباس عیدی در مقاله ای که روز ۱۳۸۰/۳/۲۲ در روزنامه ی «نوروز» چاپ شد خبر داد که چهار سال پیش در استان لرستان ۱۰۳٪ (صدوسه درصد) از واجدین شرایط رأی داده اند! این بررسی کوتاه نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی که فساد و تقلب از سر و رویش می بارد در «انتخابات» ۱۸ خردادش هم دست به تقلب و رأی سازی زده است. به نظر می رسد که تعداد واقعی تحریم کننده گان بسیار بیش تر از ۳۳٪ اعلام شده باشد و لااقل به ۴۰ تا ۵۰٪ برسد. البته همه می دانیم که حاکمان اسلامی این امر را به عنوان تقیه (دروغ گویی شرعی) بین خود و خدای خود حل و فصل می کنند!

به هر حال حتا ۳۳٪ تحریم کننده، تمام پیش بینی های آیات عظام و حجج اسلام و هم چنین طرف داران اتوپيست آنان را در خارج حکومت نقش بر آب کرده است. مثلاً آقای جلائی پور در جلسه ای به مناسبت نخستین سال روز ترور حجاریان اعلام نموده بود: «پیش بینی می کنم با این اوضاع چهل میلیون نفر در انتخابات شرکت و اکثریت به خاتمی رأی دهند.» (آفتاب یزد - ۱۳۷۹/۱۲/۲۵) برخی از اصلاح طلبان اتوپيست خارج حکومتی که بدون هیچ گونه جیره و مواجبی عاشق و واله اصلاح طلبان درون حکومتی شده اند، چهار سال پیش با دایره و دنبک در شهرهای اروپائی و آمریکائی راه افتاده بودند و می گفتند که بیش از هشتاد درصد مردم در انتخابات شرکت کرده اند و این مسئله را جشن گرفتند، اما امروز می گویند که حتا اگر ۴۰٪ هم در انتخابات شرکت نکنند امری طبیعی است. اینان با اختلاط علم فیزیک و سیاست، تحریم کننده گان را «روی مبل خوابیده ها» نامیده اند. اما فی الواقع این هذیان گویی ها چیزی جز استیصال سیاسی آنان نیست. در ایران لااقل دانشجوی دانش گاه آزادی که من می شناسم «مجبور» است که برود و رأی بدهد تا شناس نامه اش مهر بخورد وگرنه سال بعد آقای جاسبی که اتفاقاً نامزد این دوره هم بود از ثبت نام او خودداری می کند، آیا او هم جزو «روی مبل خوابیده ها» است؟ نکته ی دیگر در مورد اصلاح طلبان اتوپيست خارج حکومتی این است که اینان متأسفانه از نظر سیاسی از نیروهای دورن رژیم هم عقب تر هستند. مثلاً آقای محمد محسن سازگارا که تبیغ استصواب شورای نگهبان به او اجازه ی شرکت در انتخابات را نداد و علی رغم این که در طی نخستین دور اصلاحات آقای خاتمی روزنامه های گوناگونش، از جمله توس و نشاط و عصر آزادگان، بسته شدند در انتخابات شرکت کرد و به خاتمی رأی داد، روز ۱۳۸۰/۳/۲۲ به ایسنا گفت: «۵۱٪ واجدین شرایط شرکت در انتخابات و ۷۷٪ رأی دهنده گان به خاتمی رأی دادند ... این رقم یک اکثریت لرزان است و به نظر من پیام مردم به ایشان هم پیامی روشن است ... مردم گرچه رأی اعتماد خود را به خاتمی دادند اما این رأی مشروط است و این اکثریت لرزان حاکی از آن است که مردم به طور مطلق از سیاست های چهار سال گذشته پشتیبانی نکرده اند.»

باری، داستان رژیم جمهوری اسلامی از این حرف ها گذشته است، رژیمی که هیچ بخش از نظامش مطابق هیچ عرف و نرُمی نیست و خود نیز فاقد هیچ نوعی از آن ها نیست، راهی جز اضمحلال و فروپاشی ندارد. ما چپ های رادیکال، برای درهم شکستن سد رژیم جمهوری اسلامی علیه پیش رفت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی توده های مردم ایران در کنار آنان خواهیم بود. شک و تردیدی در این امر خطیر نیست.

امید مهري

۱۳۸۰/۳/۲۳ برابر با ۱۳۸۰/۶/۱۳

omidmehri@hotmail.com